

مقاله پژوهشی

نظام شکل‌دهنده در معماری مزارع تاریخی با نگاه به مزارع طراز آباد، گورت و نهچیر

حسین راعی^{*۱}

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰، پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴)

چکیده

مزارع مختلفی از حوزه فلات مرکزی ایران در سه قالب نگرش سنجی، سندپژوهی و مطالعات میدانی مورد مطالعه قرار گرفتند. آن‌ها دارای دوصورت؛ قلاع کشتخوانی و مجموعه‌های کشتخوانی و روایت‌هایی از چگونگی شکل‌گیری تا اضمحلال بوده‌اند. مزارع یادشده در دوره‌های متأخر به ویژه دوره قاجار و پیش از آن در فلات مرکزی ایران وجود داشتند و توسط مالکان و حاکمان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند.

این تحقیق مزارع طراز آباد میبد، نهچیر مبارکه و گورت اصفهان را به دلیل دارا بودن ویژگی‌های مزارع اربابی برای بسط دامنه پژوهش انتخاب کرده است. پژوهش و غور در آن‌ها نشان می‌دهد که به‌سان یک پایگاه اجتماعی و بنگاه اقتصادی نیرومند در شئون مختلف جوامع محلی فعالیت داشتند. آن‌ها دارای قابلیت‌های کالبدی و کارکردی بودند و نظام‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای اساس آن‌ها را شکل داده بود. به این دلیل این نظام‌ها، با عنوان «شکل‌دهنده» معرفی شده‌اند. مسئله اصلی تحقیق، نبود آگاهی جوامع درباره ارزش‌ها و ظرفیت‌های ذاتی مزارع است. این آثار در برهه‌ای از زمان به دلایل محیطی، اقلیمی، انسانی و عوامل متعدد دیگر به کام ویرانی رفتند و به تدریج نام و نشان آن‌ها نیز در حال فراموشی است.

پرسش‌های تحقیق به نظام شکل‌دهنده و نقش آن‌ها در حیات مزارع تاریخی می‌پردازد و هدف از این پژوهش معرفی نظام‌های شکل‌دهنده در مزارع با واکاوی در گذشته و حال آن‌ها است. در پاسخ به هدف و سئوالات مطرح‌شده، از رهیافت تفسیری تاریخی برای خوانش اسناد مکتوب و پیمایش آثار مادی استفاده می‌شود. استفاده از اسناد شفاهی و مصاحبه با مزرعه‌نشینان کنونی و بازمانده‌های پیشین در کنار بررسی‌های علمی و فنی در حضور بناها، ابزارهای اصلی روش تحقیق را تشکیل می‌دهد.

این تحقیق قابلیت‌های کالبدی و کارکردی و نظام‌های زیرمجموعه آن‌ها را تشریح می‌کند و با دسترسی به مطالعات موردی در فلات مرکزی ایران به طور ملموس به آن می‌پردازد. معرفی نظام شکل‌دهنده با توجه به قابلیت‌ها و نظام‌های یادشده و ارائه چرخه ثبات، بخشی از نتایج است؛ که به آن‌ها اشاره می‌شود. نظام شکل‌دهنده به دلیل ایجاد پیوند بین قابلیت‌های کالبدی و کارکردی موجب خودکفایی مزارع در برهه‌ای از زمان می‌شد و با ایجاد ثبات در شئون مختلف جوامع محلی، ضامن حفظ حیات در مزارع مسکون تاریخی می‌گردید.

کلید واژه‌ها: نظام شکل‌دهنده، مزارع تاریخی، طراز آباد، گورت، نهچیر

*۱ - ایمیل نویسنده: hosein8805@iust.ac.ir

مقدمه

پژوهش‌های اخیر درباره مزارع مسکون تاریخی نشان می‌دهد که مزارع یادشده از هم‌کناری توده‌های کالبدی با کشتخوان و آب در پاسخ به نیازهای اقتصادی و امنیتی حاکمان، اربابان، رعایا و سایر ذینفعان به وجود آمده است (مرادی، کاخکی و راعی، ۱۳۹۵: ۱۰-۷). این مجتمع‌های زیستی در طول زمان به تکامل رسیده و با دو صورت اصلی، قلاع کشتخوانی و مجموعه‌های کشتخوانی دیده می‌شوند. مزارع مسکون به عنوان مجتمع زیستی کوچک با دو صورت مستقل و تابعه بخشی از یک «قریه یا دیه» محسوب می‌شدند و در زیرمجموعه قصبات و در نهایت رستاق قرار داشتند (قمی، ۱۳۸۵: ۱۸۱). سکونت و وجود جمعیت ثابت از شاخصه‌های مهم و یکی از وجوه تمایز مزارع مسکون با نوع غیرمسکون محسوب می‌شود.

در بسیاری از مزارع مطالعه شده حیات و سرزندگی جریان داشته است. رعایا و زارعین در کنار مالک به تولید اقتصادی می‌پرداختند و از مزایای زندگی گروهی در قلعه و همچنین حمایت، آموزش و تربیت در مقیاس آن دوران برخوردار بودند (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۳۰۵-۲۹۸). قنات‌ها به‌طور مداوم لایروبی می‌شدند، آبادانی کشتخوان‌ها و املاک تضمین می‌شد، در صورت لزوم به تعداد مورد نیاز تفنگچی از طرف مالک مزرعه به حاکم داده می‌شد و مالیات آن نیز از سرجمع عایدات به دولت گسیل می‌گشت (کریستینسن، ۱۳۷۴: ۴۰). تأمین این کارکردها نیازمند وجود کالبدی پاسخگو بود. بنابراین همزمان قلعه‌هایی برای تأمین سرپناه و

امنیت رعایا و مالکان بنا شد و در کنار آن عناصری چون؛ حمام برای نظافت، طاحونه^۱ برای تولید آرد، مصنعه^۲ برای برخورداری از آب و مسجد و حسینیه برای پاسخگویی به نیازهای آئینی در طول زمان شکل گرفتند و در مقام پاسخگویی برآمدند (راعی، ۱۳۹۶: ۷۲). کالبدی برآمده از کارکرد و کارکردی آرمیده بر کالبد، به‌سان سایر گونه‌های معماری، مزرعه مسکون را اساس بخشیدند و استوار ساختند. بنابراین علاوه بر گستره‌ای از عناصر کالبدی، دامنه‌ای از عناصر کارکردی نیز در مزارع وجود داشتند و صورت و محتوی آن را شکل می‌دادند. به این دلیل از آن‌ها به عنوان «قابلیت‌های موجود در مزارع» یاد شده است (راعی، ۱۳۹۶: ۲۴۱).

مسئله اصلی تحقیق، نبود آگاهی درباره ارزش‌ها و ظرفیت‌های ذاتی مزارع در جوامع است. دلیل آن نابودی مزارع تاریخی، مستتر ماندن نظام‌های شکل دهنده مزارع در بقایای آن‌ها و قطع شدن منظومه دانشی مزارع تاریخی از دوره پهلوی دوم است. به این دلیل مزارع گورت اصفهان، نهچیر مبارکه و طرازآباد یزد با رویکرد تفسیرگرایی و راهبرد تفسیری تاریخی به صورت میدانی و سندپژوهی مورد تدقیق قرار گرفته‌اند و اساس شکل‌گیری آن‌ها واکاوی شد.

هدف از این پژوهش معرفی نظام‌های شکل‌دهنده مزارع با واکاوی در گذشته و حال آن‌ها است. مزارع مسکون می‌توانند دارای ارزش‌هایی باشند که در آن‌ها مستتر است. این ارزش‌ها در قالب کالبد و محتوا وجود دارند و خود را به‌صورت قابلیت‌ها و نظم‌هایی نمایان می‌کنند که در ذات

به طور مبسوط به آن‌ها پرداخته می‌شود. در این نوشته‌ها به مزارع تاریخی به عنوان یک گونه مستقل و مغفول در معماری ایران توجه شده است. اما پژوهش بر روی مزارع طرازآباد، نهچیر و گورت دامنه وسیعی ندارد. نتایج بررسی‌ها درباره مزرعه طرازآباد به کلیاتی از مطالعات میدانی جهت شناسایی اثر محدوده می‌شود (پایگاه میراث فرهنگی میبد، ۱۳۹۴) و مزرعه گورت اصفهان نیز در مقاله‌ای از فصلنامه اثر به عنوان باغ بانو عظمی معرفی می‌گردد و از آن به عنوان بخشی از مزرعه گورت یاد می‌شود (جیحانی و عمرانی، ۱۳۹۳، ۴۸). و یا محمد مهریار از آن به عنوان قصری یاد می‌کند که رو به نابودی است (مهریار، ۱۳۸۲: ۳۶۴) و افضل‌الملک نیز از محصولات کشاورزی و باغی آن یاد می‌کند (افضل‌الملک، ۱۳۸۰: ۸۱). اما مزرعه نهچیر در سال ۱۳۷۵ در روزنامه اطلاعات و در سال ۱۳۸۰ توسط محمدرضا شفیعی در مقاله‌ای به نام «قلعه نهچیر؛ میراثی از اوایل قاجار» معرفی می‌شود و سپس مورد مرمت قرار می‌گیرد.

۲- روش شناسی تحقیق

این تحقیق کاربردی است، داده‌ها اغلب کیفی بوده و شامل اطلاعاتی از آثار مادی و اسناد مکتوب با ماهیت تاریخی و قدیمی می‌شود. برای پاسخگویی به سؤالات مطرح شده از پارادایم «تفسیری تاریخی» استفاده شده است. این تحقیق سعی می‌کند با پرداختن به گوشه‌هایی از شیوه‌های زیستی در مزارع یادشده به نظام شکل‌گیری آن‌ها

مزارع در طول زمان به وجود آمده، قوام یافته و معرفی شده‌اند. مزارع مسکون بدون آن‌ها ناپایدار خواهند بود.

۱- پیشینه تحقیق

اغلب منابع و تولیدات علمی درباره مزارع تاریخی محصول پژوهش‌های دوره پهلوی دوم تاکنون هستند. پیش از آن منابعی دال بر حضور پژوهشگران داخلی و خارجی در عرصه پژوهشی مزارع مسکون تاریخی دیده نشده است. از دوره پهلوی دوم تا دهه ۸۰ شمسی در آثار پژوهشگرانی چون کلانترضرابی، (۱۳۳۵)؛ مرتضوی تبریزی، (۱۳۸۳)؛ بشریه، (۱۳۹۳)؛ اعظم واقفی، (۱۳۷۹)؛ دهقان‌نژاد و ستوده، (۱۳۸۹)؛ کابلی، (۱۳۵۲)؛ انصاف‌پور، (۱۳۵۵)؛ یغمایی، (۱۳۶۹)؛ طالب و عبری، (۱۳۸۷)؛ توانگر مروستی، (۱۳۹۴) و بسیاری دیگر به صورت علمی و غیرمستقیم به نام مزارع، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زراعت در شهرها و روستاها اشاره می‌شود اما به معماری و سازماندهی آن‌ها پرداخته نمی‌شود. علاوه بر آن در این منابع ماهیت و چستی مزارع و تشریح آن به عنوان یک الگوی معماری پایدار و منطبق با محیط زیست در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این آثار در سال ۱۳۸۴ شمسی با پیمایش میدانی در نیاسر معرفی می‌شوند و با انتشار مقالاتی چون؛ (مرادی، کاخکی و راعی، ۱۳۹۵)؛ بهشتی و راعی، (۱۳۹۵ و راعی، ۱۳۹۵) در خصوص کیفیات شکل‌گیری و ساختاری آن‌ها غور می‌شود و سپس در کتاب نیاسرنامه، ۱۳۹۶ طی یک فصل جداگانه

مزارع از روستاها و دیگر مجتمع‌های زیستی و کشاورزی، جدا دیده می‌شوند. دوره سلجوقی، مغول و ایلخانی را می‌توان آغازی برای حفاظت و تقویت مزارع و انتقال آن به دوره‌های بعدی دانست. در برخی از اسناد حقوقی و دیوانی تاریخی مانند؛ وقف‌نامه‌ها، وصیت‌نامه، مبیعه‌نامه‌ها^۲ و امثال آن اطلاعات درخوری درباره موجودیت و استقلال مزارع مسکون در این دوره‌های تاریخی وجود دارد (اعظم واقفی، ۱۳۷۹: ۳۹۴).

در دوره صفوی، وقف با نگهداشت و حفاظت از مزارع مسکون عجین شده بود و برنامه‌ای برای مدیریت موقوفات مرتبط با مزارع مسکون ارائه کرد (لمبتون، ۱۳۴۵: ۲۵۰). نشانه‌های آن در منابعی چون؛ حسینی یزدی ۱۳۳۰؛ افشار، ۱۳۷۴، ج ۲ و شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۸ که اغلب به بررسی اسنادی از دوره‌های ایلخانی، صفوی و قاجار پرداخته‌اند، وجود دارد. در این اسناد اشارات متعددی به جایگاه مزارع مسکون، ماهیت، نظام مدیریت و مالکیت آن‌ها شده‌است. علاوه بر آن بسیاری از بیگانگان در قالب سفیر، سیاستمدار و اقتصاددان، جامعه‌شناس، شرق‌شناس و امثال آن حداقل از دوره ایلخانی و صفوی به ایران سفر کردند و غالباً به تشریح آنچه دیده‌اند، پرداخته‌اند مانند؛ دوران، (۱۳۴۶)؛ رنه دالمانی، (۱۳۳۵)؛ کلاویخو، (۱۳۷۴)؛ فوران، (۱۳۷۸) و لمبتون، (۱۳۴۵).

در دوره قاجار چندین عامل در ویرانی مزارع تأثیرگذار بود؛ ضعف اقتصادی شاه، دربار و دیوان

در برهه‌ای از زمان پی‌برد و در این مسیر از منابع ذیل استفاده می‌کند:

۱. آثار مادی شامل؛ مزارعی که مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته‌اند.
 ۲. آثار مکتوب؛ کتب تاریخی، جغرافیای تاریخی و اسناد حقوقی از قبیل؛ وقف‌نامه‌ها
 ۳. اسناد شنیداری
- بررسی اسناد یاد شده از طریق سه قالب ذیل انجام می‌شود:

۱. مطالعات میدانی شامل؛ عکاسی، برداشت و ..
۲. سندپژوهی و بررسی اسناد مکتوب تاریخی و جغرافیای تاریخی
۳. نگرش‌سنجی، مصاحبه و بررسی اسناد شنیداری

۳- نگاه به مزارع براساس اسناد و متون تاریخی

مزارع در دوره‌های مختلف تاریخی؛ پیش از اسلام تا دوره پهلوی اول حضور مؤثری در حوزه‌ها و شئون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی ایران داشته‌اند. در پیش از دوره اسلامی در قالب دسکره‌های شاهی هخامنشی (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۹۰ و دهگان، ۱۳۸۹: ۲۰۰) و در اوایل دوره اسلامی به عنوان کوشک‌های خارج از شهر و همچنین مزارع مستقل وجود داشتند (قمی، ۱۳۸۵: ۲۰۳). از قرون اولیه اسلامی تا قرن چهارم ه.ق ساختاری نزدیک به یک مزرعه مسکون با ویژگی‌های کالبدی، اقتصادی و با نظام اجتماعی ویژه در جامعه معرفی می‌شود. پس از این دوره،

۳-۱- معرفی مزارع تاریخی طرازآباد، گورت و نهچیر

همانطوری که بیان شد اغلب مزارع تاریخی که بقایای آن‌ها قابلیت مطالعه میدانی داشته و یا بازماندگان آن مزارع هنوز در قید حیات هستند مربوط به دوره قاجار و پس از آن است. در برخی از آن‌ها حیات و سرزندگی جریان دارد. سرزندگی به معنای وجود جمعیت و جان‌دار ثابت و انجام فعالیت مشخص برای تولید ثروت و ارزش افزوده است. این تحقیق برای دسترسی به یافته‌هایی که بتواند پاسخگوی سؤالات اشاره شده باشد با نگاه موردی به سرگذشت مزارع طرازآباد میبد، نهچیر و گورت در فلات مرکزی ایران پرداخته است.

الف؛ مزرعه طرازآباد میبد

مزرعه طرازآباد میبد مربوط به دوره قاجار است و علاوه بر کشتخوان و قنات، دارای عمارت اربابی، قلعه رعیتی، آسیاب و احتمالاً آب انبار است (مرادی، کاخکی و راعی، ۱۳۹۵: ۱۴). این مزرعه از زمان شکل‌گیری تا پیش از دوره اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی، دارای مالکیت شخصی و اربابی بود، کلیه امور از تولید محصولات کشاورزی، فروش آن‌ها، تأمین نیروی انسانی، حفاظت و نگهداری از قنات و کشتخوان‌ها توسط ارباب مزرعه مدیریت می‌شد. اما اصلاحات ارضی دهه ۴۰ ه.ش رویه و نوع مالکیت را تغییر داد. مالک این مزرعه پس از آن و در جریان آغاز انقلاب اسلامی ایران، مزرعه را به رعایا واگذار کرد و به خارج از کشور مهاجرت کرد (تصویر ۱).

در کنار وجود ناامنی، شرارت، تغییرات اقلیمی و خشکسالی نمونه‌ای از آن بودند. اغلب مزارع مسکون دیده شده و باقیمانده از دوره‌های پیشین در قالب قلعه‌ها و مجموعه‌های کشتخوانی مربوط به این دوره است. در این دوره نخگان سیاسی و فرهنگی داخلی مانند؛ فرمانفرما، (۱۳۸۳)؛ غلامحسین افضل‌الملک، (۱۳۶۰)؛ امین‌لشکر، (۱۳۸۴)؛ اعتمادالسلطنه، (۱۳۶۳، ۱۳۶۸)؛ حکمت‌یغمایی، (۱۳۶۹)؛ ظهیرالدوله، (۱۳۵۱)؛ ظل‌السلطان، (۱۳۶۸)؛ ناصرالدین‌شاه، (۱۳۵۴) و نجم‌الملک، (۱۳۸۵) اغلب در قالب سفرنامه‌ها یا روزنامه خاطرات مطالبی را منتشر می‌کردند. در این اسناد، اطلاعات پراکنده‌ای درباره مزارع تاریخی وجود دارد که غالباً محدود به نام و نشان مزارع است.

در دوره پهلوی اول و دوم مواردی چون؛ الغای تیولداری، حذف مالکان بزرگ، اجرای اصلاحات ارضی و تغییر نظام اقتصادی کشور به شبه‌صنعتی موجب شد که حذف مزارع از نظام اقتصادی و معیشتی کشور با سرعت بیشتری ادامه یابد. البته به دلایل بالا می‌توان عوامل محیطی و بحران‌های طبیعی را نیز اضافه کرد (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۲۹۴). پس از تغییرات یادشده اغلب مالکان مزارع تابعه و مستقل به خارج از کشور و شهرهای بزرگ عزیمت کردند. بسیاری از مزارع مسکون تاریخی نابود شدند و شکل، کارکرد و ماهیت خود را از دست دادند.

فرعی، دسترسی کنونی را به طرز نامطلوبی تسهیل می‌کنند. قلعه رعیتی ویران شده است و کوشک و خانه‌های اربابی دیگر نیز در حال نابودی است و کشتخوان‌های مرتبط با مزرعه رها شده‌اند. به نظر می‌رسد آب‌انبار مجموعه نیز در زیر آوار مدفون شده است. این درحالی است که زمین‌های زراعی و باغات اطراف به دلیل اینکه دارای مالک هستند، سرسبز بوده و کارکرد دارند (تصاویر ۱ و ۲).

با ناتوانی رعایا به ساماندهی امورات مزرعه و خشکیدن قنات‌ها، مزرعه رو به ویرانی رفته، ساختار معماری آن متلاشی شده و در نهایت تبدیل به آغل احشام شد (مصاحبه با آقای کارگر، مالک کنونی مزرعه طرازآباد یزد، ۱۳۹۴). تصاویر هوایی در سال ۱۳۹۴ ه.ش از محل قرارگیری مزرعه طرازآباد و کشتخوان‌های اطراف نیز مؤید گسستگی کالبدی است. جاده و راه‌های خاکی



تصویر ۱- مصاحبه با آقای کارگر؛ مالک کنونی مزرعه طرازآباد یزد ۱۳۹۴.



تصویر ۲- مزرعه مسکون طرازآباد میبد (ماخذ: google earth. 2015).

گسیل می‌شدند (منشی، ۲۵۳۶: ۷۴). به این ترتیب احداث مزرعه‌های سرحدی به دلیل ایجاد امنیت و آبادانی برای حاکمان و متولیان دارای اهمیت بوده است.

موضوع احداث «مزرعه نهچیر» که دامنه نیازهایش از تولید اقتصادی تا امنیت ساکنان را دربرمی‌گرفت اندکی متفاوت بوده است. این مزرعه در اواسط سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار توسط فردی به نام آقا محمدعلی‌خان از تبریز برای ایجاد کارگاه روغن‌کشی شکل گرفت. او در ابتدا چندین رشته قنات احداث کرد و سپس کشتخوان های اطراف را خریداری نمود و ساخت قلاع اربابی و رعیتی را در دستور کار قرارداد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵: ۷). تکمیل ساختار مزرعه به ویژه اصطبل حیوانات، آخورها، انبار غلات، حمام و آسیاب هفت سال طول کشید و به تدریج مزرعه از نظر کالبدی جان گرفت. رعایای قلعه به طور عمده زارعینی بودند که محمدعلی‌خان و فرزندان او آن‌ها را از نواحی و آبادی‌های مختلف به این محل آورده بودند (شفیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۳).

قلعه‌های مزرعه نهچیر نه تنها محل زندگی و خانه امن رعایا بود بلکه اهالی نقاط دیگر نیز در مواقع ناامنی به آن پناه می‌بردند. در دوره پهلوی و در جریان اصلاحات ارضی و همچنین مهاجرت فرزندان مالک، مزرعه نهچیر به رعایا فروخته شده و به دلیل ناتوانی آن‌ها در رسیدگی به آن نابود شد و هم‌اکنون ویرانه‌ای از آن باقی است (تصویر ۳). مردم و اهالی مناطق اطراف در کنار بقایای مزرعه شروع به ساخت و ساز کردند و هم‌اکنون روستایی

توصیف سرگذشت مزرعه مسکون طرازآباد نشان می‌دهد در هر برهه‌ای از زمان که وضعیت اقتصادی و تولیدات کشاورزی مزرعه مناسب بود لاجرم قلعه‌های رعیتی مرمت می‌شد و خانه‌های اربابی مورد حفاظت قرار می‌گرفت. آب انبار آب آشامیدنی مزرعه‌نشینان را تأمین می‌کرد و کلیت مزرعه با عناصر کالبدی موجود در آن براساس کارکردشان مورد نگهداری قرار می‌گرفتند و در زمانی که کارکرد به دلایل مختلف مانند مهاجرت مالکان، عدم توانمندی مالکان جدید در مدیریت مزرعه و عوامل زیست محیطی و اقلیمی تضعیف شده و به نابودی میل کرد، کالبد نیز مستهلک شده و مزرعه مسکون اساس خود را از دست داده است.

ب)؛ مزرعه نهچیر مبارکه

نیازها در مزارع، گاه از جنس اقتصادی بودند و گاه از منظر اجتماعی، فرهنگی و یا حتی امنیتی بر کالبد وارد می‌شدند. مانند؛ مزارع مسکونی که در قالب قلعه‌جات برای جلوگیری از یورش همسایگان در سرحدات در دوره اسلامی به ویژه دوره ناصری ساخته می‌شد. این نوع مزارع به طور معمول وظیفه آبادانی و ایجاد امنیت در مناطق و بلوک‌ها را برعهده داشتند و اغلب در جریان بلوک‌گردشی^۴ صاحب منصبان و عمال حکومتی و بنا بر دستور آن‌ها ساخته می‌شدند. ساخت آن‌ها فرمایشی بود و به طور احتمال در همان نقطه و به صورت درجا طراحی می‌شدند. در ابتدا چندین ساخلو^۵ در مزارع تازه تأسیس ساخته می‌شد و پس از مدتی تعدادی رعیت و زارع توسط حاکم بلوک برای آبادانی و آغاز تولید کشاورزی به محل

واکنش بین کارکرد و کالبد بود. زمانیکه مالک کارکرد را متوقف کرد، کالبد نیز تحت تأثیر قرار گرفت و نابود شد؛ اما دیگر مزرعه‌ای شکل نگرفت.

با جمعیت ۵۷۰ نفر در آن نقطه وجود دارد (همان، ۵۳-۵۹). بنابراین این مزرعه براساس یک نیاز اقتصادی شکل گرفت و سپس سعی کرد به نیازهای امنیتی و اجتماعی در مقیاس خود پاسخگو باشد. سرنوشت مزرعه نهچیر هم تابع کنش و



تصویر ۳- مزرعه نهچیر مبارکه در حین مرمت

حصار کوشک و حصار درونی قرار گرفته است. بدیهی است سکونت اربابی و سپس تولید اقتصادی برای احداث این مزرعه در اولویت بودند و چنین کالبدی از یک مزرعه را به نمایش گذاشتند. همانطوری که در تصاویر ۴ و ۵ مشخص است کلیت کوشک با حصاری مستطیل شکل و طراحی شده از محیط اطراف جدا شده و دسترسی به کشتخوان‌های اطراف را با عنصر ورودی

ج؛ مزرعه گورت اصفهان

در جایی دیگر «مزرعه گورت اصفهان» در قامت یک مزرعه اعیانی و اربابی برای برآورده کردن نیازهای اجتماعی طبقه‌ای از صاحب‌منصبان قاجاری دیده می‌شود. این مزرعه دارای کوشک سه‌طبقه، مجموعه ورودی، اصطبل، فضاهای خدماتی، حصار، مجموعه رعیتی، کشتخوان و قنات است و بخش بزرگی از آن در خارج از

واگذار و به تدریج رو به ویرانی نهاد. در مطالعات اندکی که راجع به این مزرعه شده است اغلب به محدوده حصار اندرونی اشاره شده و از آن به نام «باغ بانو عظمی» یاد شده است (جیحانی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۴۸). در صورتی که این بخش به عنوان کوشک حصار داخلی مزرعه گورت مطرح بوده و بخش اعظم مزرعه در خارج از حصار تحت عنوان مجموعه رعیتی قابل رؤیت است. این محدوده هم-اکنون به نام مزرعه گورت توسط اهالی شناخته می‌شود و تعیین دقیق محدوده آن نیازمند مطالعات وسیع‌تری است.

ایجاد کرده است. کوشک اربابی به عنوان بخشی از مزرعه گورت تقریباً در وسط مجموعه حاضر ساخته شده و در محور اصلی قرار دارد. در منتهی‌الیه شمال شرقی حصار و چسبیده به آن، مجموعه ورودی (فضای خدمات، نگهبانی و اصطبل) قرار گرفته و فضاهای مسکونی رعیتی و کبوترخانه‌ها در خارج از حصار اندرونی جای گرفته‌اند. این مزرعه توسط بانو عظمی دختر ناصرالدین شاه ساخته شده و تا پیش از دوره اصلاحات ارضی، سالم بوده و مدیریت می‌شد اما در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن به رعیت‌ها



تصویر ۴- مزرعه مسکون گورت اصفهان، گونه مجموعه‌های کشتخوانی. شامل؛ حصار، کوشک، ورودی، اصطبل، خانه‌های رعیتی، کبوترخانه، زمین کشاورزی و قنوات. (ماخذ: google earth.2014).



تصویر ۵- مزرعه مسکون گورت اصفهان

۲-۳- نظام شکل دهنده در مزارع تاریخی طراز آباد، گورت و نهچیر

موارد یادشده از مزرعه طراز آباد تا نهچیر و گورت نشان می‌دهد که این تحقیق با یک نظام مشخصی در استقرار مزارع موردنظر مواجه است. داستان زندگی این مزارع از نضج تا اضمحلال، گفتگوی میان کالبد و کارکرد را روایت می‌کند. این سه مزرعه براساس معیارهای شش‌گانه شناسایی مزارع اربابی (راعی، ۱۳۹۶: ۲۳۵) دارای شاکله معماری هستند. عناصر معماری وابسته به مزارع مانند؛ برج و بارو، قلعه، آسیاب و امثالهم در آنها حضور دارد. الگوی معماری آنها با توجه به مطالعات

تطبیقی انجام‌شده در دسته «مجموعه‌های کشتخوانی» قرار می‌گیرد (مرادی، کاخکی و راعی، ۱۳۹۵: ۱۱). آنها دارای مالکیت اربابی بوده‌اند و به دوره تاریخی قاجار و پهلوی تعلق دارند. هر سه مزرعه دارای سرزندگی نسبی هستند و هنوز زندگی کم‌رمقی در آنها جریان دارد (جدول ۱). این ویژگی‌ها با جزئیاتی که بیان خواهد شد می‌تواند تحت عنوان «نظام‌های شکل‌دهنده مزارع یادشده» مطرح شود و به دو دسته کالبدی و کارکردی تقسیم گردد.

جدول ۱- معیارها و عناصر مشترک در مزارع مورد مطالعه

ردیف	مزرعه مسکون	استقرار (حضور عناصر کالبدی)						مالکیت اربابی	سر زندگی نسبی (وجود جمعیت ثابت یا شناور)	تعلق تاریخی (دوره قاجار و پیش از آن)	سندیت تاریخی (حضور در اسناد مکتوب)	وضعیت پایدار کالبدی (سالم یا نیمه سالم)
		آسیاب	حمام	خانه و قلاع اربابی و رعیتی	آب/قنات/چشمه/سلخ	کبوترخانه	آب‌انبار					
۱	طرازآباد	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	
۲	گورت	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	
۳	نهچیر	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	

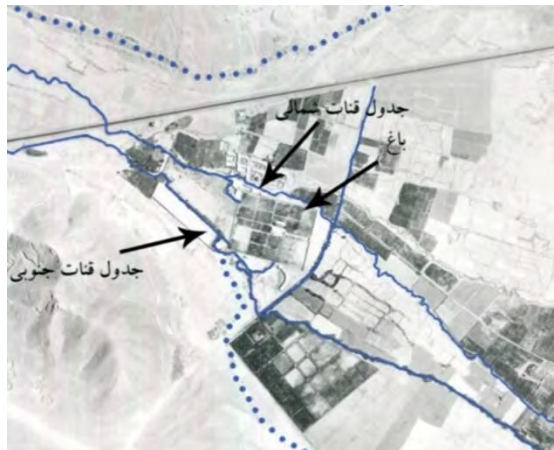
۳-۲-۱- نظام کالبدی

نظام کالبدی براساس چهارچوبی منبعث از کارکرد در ایجاد شاکله فیزیکی مزارع تأثیر مستقیم داشت. به طور معمول پس از دستور صاحب‌منصبان و ذی‌مدخلان مبنی بر شکل‌گیری یک مزرعه، سه چالش ذیل می‌بایست برای ایجاد نظم کالبدی مورد تدقیق قرار می‌گرفت؛ چگونه مزارع مکانیابی شوند؟ چگونه طراحی و ساخته شوند؟ چگونه حفاظت، پایش و نگهداری شوند؟

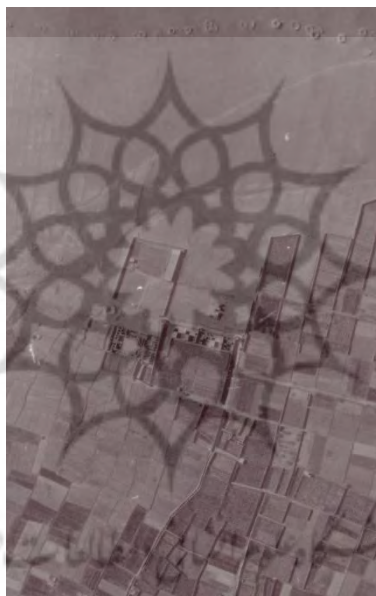
الف) چگونه مزارع مکانیابی می‌شدند؟

مطالعه بر روی مزارع یادشده و همچنین مطالعه تطبیقی در سایر مزارع در فلات مرکزی ایران نشان می‌دهد که مکانیابی و تعیین موقعیت مزارع تابع متغیرهایی چون آب، امنیت و دسترسی بوده است (راعی، ۱۳۹۶: ۲۳۴). منابع آبی به طور معمول شامل؛ قنات، چاه، چشمه و رودخانه بود و اساساً مزارع در کنار منابع آبی و یا در مظهر آن‌ها به تدریج شکل می‌گرفت تا نزدیک‌تر به آب پاکیزه باشند، آب آشامیدنی از قنات و چشمه تأمین می‌شد و از چاه‌های دستی و خانگی برای

شستشوی ظروف و البسه استفاده می‌کردند (توانگرمروستی، ۱۳۹۴: ۲۶۹). عناصری چون؛ مظهر قنات، بند، سلخ یا استخر، نهرها، جداول، حوض، آسیاب، آب‌انبار و کرت‌بندی نیز بخشی از عناصر وابسته به آب در معماری مزارع بودند. مزارع نهچیر، طرازآباد و گورت نیز از قنات برای بهره‌برداری از آب استفاده می‌کردند (تصویر ۶ و ۷). استفاده از آب در این مزارع تابع نسق شرعی و عرفی بود و براساس عواملی چون؛ میزان آبدهی قنات و چشمه، وسعت مزارع، کیفیت آب (شوری و شیرینی)، نوع خاک (رسی و شنی) و نوع محصول متفاوت بود (حائری، ۱۳۸۶: ۱۰۵) هر شبانه‌روز یک طاق نامیده می‌شد و آبدهی بوسیله طشت (ظرف بزرگ مسی) و کیله (جام مسی) براساس نظم خاصی انجام می‌گردید. این نظام از همراهی افرادی چون؛ سرکاردار (رئیس)، کارشناس، میراب، دشتبان، فرده و بنابدار (مالکین آب) و مقنی بهره‌می‌برد (یغمایی، ۱۳۶۹: ۲۹۶).



تصویر ۷- مسیر آب و قنات در مزرعه گورت، ۱۳۴۷.
(ماخذ: سازمان نقشه برداری کشور).



تصویر ۶- مید، مزرعه طراز آباد متأثر از قنات‌ها، آب و امنیت
در دهه ۴۰ شمسی (ماخذ: پایگاه میراث فرهنگی مید، ۱۳۹۴).

تعداد زیادی از مزارع با متعلقاتشان شکل می‌گرفت و سپس راه و دسترسی جهت تسهیل روابط به میدان می‌آمد تا علاوه بر دسترسی به آب، تابع نظام منظومه‌ای یا پیوستگی کارکردی باشند. مقدار راه و فواصل اشاره شده در نوشته‌های ضرابی ۱۳۳۵؛ افضل الملک ۱۳۶۰ و فرمانفرما، ۱۳۶۳ و دیگران نشان می‌دهد که مزارع مسکون

راه و دسترسی نیز در دو نظام؛ منظومه‌ای (گله‌ای) و درونی در مزارع دیده می‌شد. پراکنش مزارع در یک حوزه اقلیمی مهم‌ترین موضوع در نظام منظومه‌ای بود. براساس اسناد تاریخی و مطالعات میدانی، راه و فاصله بین مزارع به طور تقریبی به ۱ تا ۳ فرسخ می‌رسید (راعی، ۱۳۹۶: ۲۳۴). در یک پهنه جغرافیایی به دلیل دارا بودن منابع آبی متعدد،

کاخکی و راعی، ۱۳۹۵: ۲). مزارعی مانند طرازآباد و نهچیر در مقیاس درونی نیز دارای راه و مسیرهای دسترسی برای ارتباط بین عناصر واقع در مزارع مانند؛ قلاع اربابی و رعیتی، مساجد، طاحونه، مصنعه، مسکن هستند.

با یکدیگر تبادل و تعامل داشتند. در محور یزد به میبد مزارع فراوانی وجود دارند که طرازآباد، شمس‌آباد، مزرعه کلانتر و ده شیخ بخشی از این محور را شکل می‌دهد (تصویر ۸). آن‌ها با یکدیگر تبادلات اقتصادی و اجتماعی داشتند (مرادی،



تصویر ۸ - میبد، نظام منظومه‌ای و پراکنده‌گی مزارع در همکناری با مزرعه طرازآباد (ماخذ: google earth.2015).

۱)؛ مزارع از پیش طراحی شده شامل؛ مزارع وقفی، اربابی و دیوانی شاخص که غالباً به دلیل اهمیت اقتصادی، تفرج‌گاهی و نوع زندگی که در آن جریان داشت، پیش از ساخته شدن طراحی می‌شدند مانند؛ مزرعه صدری قم (تصویر ۹).
۲)؛ مزارع دارای طرح عرفی شامل؛ مزارع رعیتی و دیوانی غیر شاخص. گاه صاحب منصبان در جریان بلوک گردشی خواستار ساخت یک مزرعه با

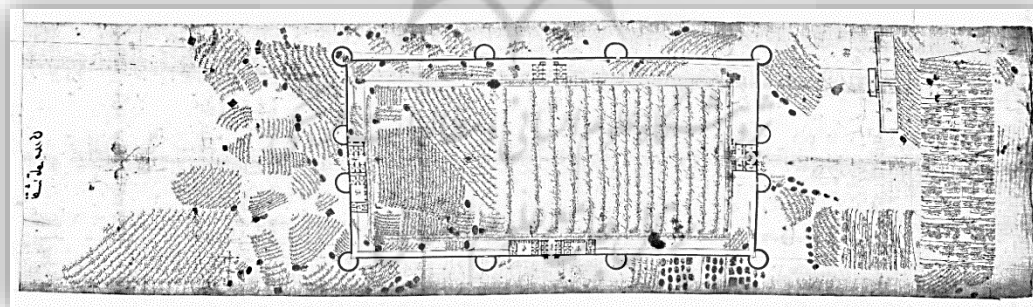
ب)؛ چگونه مزارع یادشده طراحی و ساخته می‌شدند؟
ساخت مزارع تابع معادلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود. چرایی بنیاد مزارع و نوع مالکیت در چگونگی شکل‌گیری آن‌ها اهمیت داشت (بهشتی و راعی، ۱۳۹۵: ۳). مزارع مسکون از این لحاظ با سه دسته مشخص در اسناد تاریخی دیده می‌شوند:

قلعه‌جات برای آبادانی و حفاظت از منطقه می‌شدند و غالباً به صورت عرفی و براساس سنت‌های گذشته در همان مکان طرح‌ریزی انجام و ساخت آغاز می‌شد. موارد یادشده در توصیفات افضل‌الملک در حین بازدید از مزارع قم در دوره قاجار به تفصیل آمده است (افضل‌الملک، ۱۳۵۵: ۸۱).

۳؛ مزارع با ساخت فی‌البداهه شامل؛ مزارع رعیتی نازل. براساس گزارشات نجم‌الملک متصدی امور آب و سد دوره ناصری و همچنین کسانی چون اعتمادالسلطنه مسئول انطباعات ناصرالدین شاه، این نوع مزارع توسط زارعین و بومیان در مقیاس پلاس^۶ و سرپناه به وجود می‌آمد (نجم‌الملک، ۱۳۴۱: ۱۵۱).

مزارع گورت، طرازآباد و نهچیر در دسته‌بندی شماره ۱ قرار می‌گیرند. این مزارع در طول سالیان

متمادی انشاء می‌شدند و عناصر مزرعه براساس نیاز و فزونی جمعیت بیشتر و گسترده‌تر می‌گشت. مزرعه گورت و کوشک آن پس از واگذاری به بانو عظمی در دوره قاجار تا پیش از انقلاب اسلامی در حال ساخت و توسعه بود و توسط افراد مختلف ساخته شد. ساخت و تکمیل آن نیز نیز ۷ سال زمان برد (شفیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۳). اما وجود کوشک اربابی، حیاط‌ها و قلعه‌های متعدد در مزرعه طرازآباد نشان می‌دهد که این مزرعه در مدت زمان طولانی و به تدریج و براساس نقشه‌ای از پیش تعیین شده ساخته شده است. در هیچ‌یک از مزارع یادشده نقشه‌ای یافت نشده است اما در اسناد مکتوب و شفاهی مطالبی راجع به شکل‌گیری آن‌ها نقل شده است. (مصاحبه با آقای کارگر، مالک کنونی مزرعه طرازآباد یزد، ۱۳۹۴).



تصویر ۹- نقشه تاریخی مزرعه صدری قم (ماخذ: مجموعه مزرعه صدری، ۱۳۹۸).

ج)؛ چگونه مزارع یادشده حفاظت، پایش و نگهداری می‌شدند؟

حفاظت و نگهداری مزارع چهارچوب ویژه‌ای داشت و براساس آن مدیریت می‌شد. در این باره مطالبی در منابع مختلف آمده است. به عنوان مثال؛

حکمت یغمایی در کتاب «بر ساحل کویر نمک» شیوه کار و زندگی در مزارع اربابی و رعیتی در خور و بیابانک را تشریح می‌کند (حکمت یغمایی، ۱۳۶۹: ۱۰۰) و فوران و پولاک نیز در طی حضورشان در ایران به نظام مالکیت مزارع و روستاها می‌پردازند و آن‌را را به چهار دسته؛ شخصی، وقفی، دیوانی و خالصه تقسیم می‌کنند (فوران، ۱۳۷۸: ۵۷ و پولاک، ۱۳۶۱: ۳۵۱). براین اساس هر مزرعه دارای یک نوع مالکیت و نظام بهره‌برداری بود و براساس سه‌گانه ذیل نگهداری و حفاظت می‌شد:

۱) نگهداری و پایش مزارع وقفی

۲) نگهداری و پایش مزارع اربابی

۳) نگهداری و پایش مزارع دیوانی و خالصه

مزارع وقفی تابع نظام وقف بودند و می‌بایست توسط متولی و ناظر به طور دائم و برحسب میزان درآمد مورد پایش قرارمی‌گرفتند البته نه تنها خود مرمت می‌شدند بلکه موجبات حفاظت از موقوفه‌ها را نیز فراهم می‌کرده‌اند (پسندیده، ۱۳۹۴: صص ۲۶-۲۰ و شیخ الحکمایی، ۱۳۸۸: ۹). در وقف‌نامه‌ها، ذکر شده که پس از کسر هزینه نگهداری رقبات موقوفه، حق‌السعی و تولیت (عشر) و حق‌النظاره (نیم‌عشر) مابقی درآمد، نصف شده و نصف آن را صرف امور خیریه و نصف دیگر را به عنوان سهم اولادی منظور می‌کردند. بنابراین کلیه هزینه‌ها و درآمدها در جهت توانمندسازی موقوفه‌ها ساماندهی می‌شده‌است (اعظم واقفی، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

مزارع شخصی و اربابی توسط مالک و ارباب مزرعه مورد مرمت قرارمی‌گرفت. از لایروبی قنات‌ها تا مرمت عناصروابسته و مکمل زیر نظر مالک پایش می‌شد و هزینه‌های آن توسط او پرداخت می‌شد (توانگرمروستی، ۱۳۹۴: ۲۶۷). این نوع مزارع براساس نسق ویژه‌ای توسط زارعین و مباشران اداره می‌شدند. مزارع گورت، نهچیر و طرازآباد به دلیل دارابودن مالکیت اربابی در این دسته جای می‌گیرند. بررسی موضوع نشان داده است که پایش و نگهداری در زمان حیات اربابان مزارع اشاره‌شده به درستی انجام می‌شد و پس از فوت اربابان، مهاجرت آن‌ها و واگذاری به رعیت‌ها پس از اصلاحات ارضی، نظام پایش و نگهداری دچار چالش شده و گاه از بین رفته است. به عنوان مثال شفیعی، ۱۳۸۰ درباره افول مزرعه نهچیر چنین آورده است:

«نوادگان و نبیرگان مجبور شدند از وطن و مولد اصلی به سمت کار و تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی رو آورند و طبعاً آن طور که باید و شاید نتوانستند به این ساختمان برسند و سستی در مرمت و تزیین این آثار به وجود آمده و چون خانه بی‌صاحب شد، برخی به تخریب و حتی سرقت اشیای آن پرداختند و قسمتی دیگر از بنا نیز به علت عوامل طبیعی مانند باد و باران و امثال آن تخریب شد» (شفیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۳)

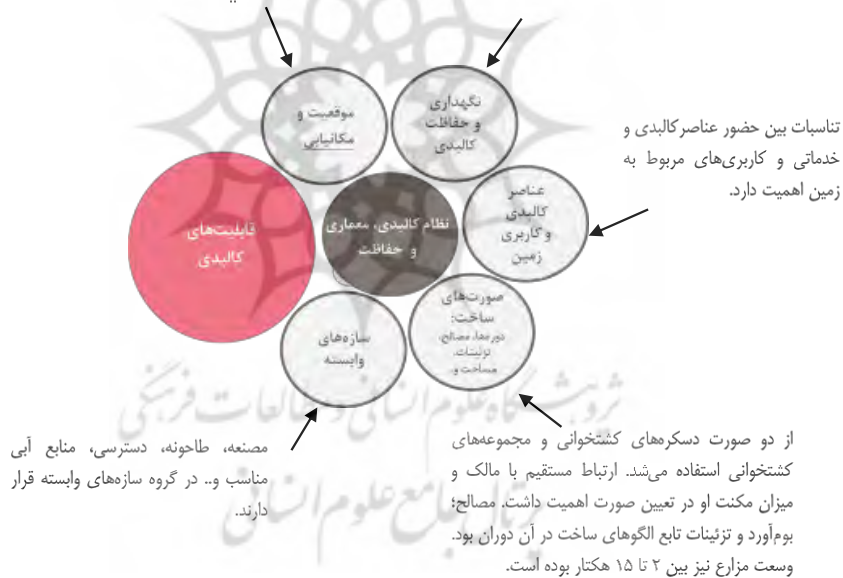
اما مزارع دیوانی و خالصه (شاهی) به دلیل وابستگی به دیوان و شاه، کمتر از مزارع دیگر رسیدگی می‌شد و همانطوری که حسن بن قمی نقل کرده‌است «از مساحی و پرداخت خراج نیز معاف

دارای زیر مجموعه‌هایی بود که در بدنه آن مستتر بود مانند؛ نظم در صورت‌های مزارع، دوره شکل‌گیری، عناصر کالبدی موجود، سازه‌های وابسته، الگو و شیوه ساخت، مصالح، تزئینات، مساحت کل و.. این نظم شکل دهنده کالبد مزارع مسکون تاریخی بوده است (تصویر ۱۰).
تصویر ۱۰- ارتباط نظم کالبدی و نظام‌های زیرمجموعه آن.

بوده‌اند» این مزارع به طور معمول به عنوان تیول به صاحب منصبان و شاهزادگان واگذار می‌شد تا درآمد دولت مرکزی از مالیات آن‌ها تأمین گردد (حسن‌آبادی، ۱۳۸۶: ۷۰-۶۴). از محل همین درآمد نیز به مزارع رسیدگی می‌شد و مورد حفاظت قرار می‌گرفتند. بنابراین مزارع تاریخی؛ مکانیابی، طراحی، ساخته، پایش و نگهداری می‌شده‌اند و در این مسیر پنج‌گانه تابع نظم ویژه‌ای به نام «نظم کالبدی» بوده‌اند. این نظم

آب، امنیت و دسترسی در موقعیت و مکانیابی نقش داشتند. تبعیت از نظام گل‌های منظومه‌ای براساس متغیرهای امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و ..

حفاظت و نگهداری براساس نوع مالکیت انجام می‌شد. این الگو؛ حیات اجتماعی مزارع را تداوم می‌بخشید و حافظ روح و سبک زندگی مزرعه‌داری بود.



تصویر ۱۰- ارتباط نظم کالبدی و نظام‌های زیرمجموعه آن.

پایدار می‌سازند. نظمی از جنس اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ارباب مزرعه با هدف اقتصادی و امنیتی در سطح محلی و ملی، افراد و

۳-۲-۲- نظام کارکردی

نظم کارکردی مطروف، نظم کالبدی است. این قابلیت را آدیان حاضر در مزارع نظم می‌بخشد و

ناصرالدین شاه و خواهر ظل السلطان واگذار شد. مباشر مزرعه گورت در سال ۱۱۳۵ ه.ق فردی به نام محمد بدیع بود و هر ساله مقدار فراوانی هندوانه و محصولات باغی دیگر از این مزرعه جمع‌آوری می‌شد. بانو عظمی مالک مزرعه نیز در سال ۱۳۵۴ از دنیا رفت (حبیب‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۰۵۲) و نوادگان بانو عظمی مزرعه را به قیمت شصت هزار تومان به شخصی به نام کمال صراف فروختند و سپس برادران حسینی از ایشان پیش از انقلاب خریداری کرده و هم اکنون مالک مزرعه و باغ هستند (جیحانی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۳۴).

مالک مزرعه نهچیر نیز آقا محمدعلی خان و بهادرخان و فرزندان ایشان در دوره قاجار بودند و ساخت مزرعه و قلعه‌جات رعیتی تقریباً ۷ سال طول کشید. موضوع اصلی اقتصاد و امنیت بوده است. مأموریت این مزرعه کاشت و برداشت «نی‌چی»، روغن‌کشی از آنها و فروش به دولت بوده است. به همین علت طایفه‌های مختلفی از قوم لر در قلاع مزرعه سکنی داده شده و به کار گمارده شده بودند. این مزرعه پس از فوت مالک و پس از انقلاب اسلامی به رعیت‌ها سپرده شد (شفیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۳). در مزرعه طرازآباد نیز وضع بر همین منوال بوده است. در مصاحبه با مالکان کنونی مزرعه طرازآباد مشخص شد که موضوع اصلی در این مزرعه جمع‌آوری تعدادی زیادی رعیت، ساخت محل سکونت برای آنان در قالب قلعه‌جات رعیتی، سکونت مالک در کوشک اربابی در مجاورت آنها و بهره‌کشی اقتصادی بوده است. این مزرعه نیز در جریان اصلاحات ارضی و سپس

خانوارهای بومی را در این مزارع مستقر می‌کرد و نظام جمعیتی طراحی شده‌ای را در مزرعه می‌گمارد. اربابان، مالکین، مباشر، کدخدا، دشتبان، زارع، خوش‌نشین، حامی، آسیابان و رعایا افرادی بودند که در درون مزارع فعالیت می‌کردند (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۱۸۱) و تیول‌دارن، مُقطعین، مأموران دیوان و محاسبین بخشی از نظم بودند که در خارج از مزارع به آنها متصل بوده‌اند (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۳). ترکیب این بافت جمعیتی در درون و بیرون مزرعه در کنار کالبد از پیش طراحی‌شده به ایجاد نظم کارکردی در بخش‌های اقتصادی، بهره‌برداری، اجتماعی و فرهنگی می‌انجامید:

الف؛ نظم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این نظم بخشی از نظام کارکردی است که به نوع بهره‌برداری، میزان فعالیت، نوع مالکیت، نوع محصولات کشاورزی و زراعت، نوع دام و می‌پردازد. حق نسق یا قانون زراعت براساس عوامل پنج‌گانه تولید (آب، زمین، بذر، نیروی شخم و نیروی کار) به صورت عرفی، ذهنی و محلی در روستاها و مزارع وجود داشت (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۴۳) و پدیدآورنده نظم اقتصادی و بهره‌برداری در نظام کارکردی بود.

مزارع مورد مطالعه هر یک براساس نظام کارکردی اشاره شده شکل گرفتند و تا زمانی که این نظم در مزارع مستقر بود به حیات حویث ادامه دادند. مزرعه گورت دارای ماهیت اقتصادی و تفرجگاهی بود. این مزرعه در جریان واگذاری خالصجات در دوره ناصرالدین شاه به افتخارالدوله دختر

انقلاب اسلامی به رعیت‌ها سپرده شد و به دلیل ناتوانی آنان در اداره مزرعه، هم اکنون تبدیل به آغل احشام شده است (مصاحبه با آقای کارگر، مالک کنونی مزرعه طرازآباد یزد، ۱۳۹۴). از تعداد و میزان جمعیت ثابت و شناور در این مزارع اطلاع دقیقی یافت نشده است اما در منابع پیش گفته به حضور تعداد زیادی از رعیت‌ها و مردم در قالب طایفه و اقوام مختلف در مزارع اشاره شده است. در منابع دیگر نیز تعداد جمعیت موجود در مزارع مسکون به صورت شناور، ثابت و گاهی میزبان^۷ به ۵ تا بیش از ۵۰۰ نفر در قالب ۲ تا بیش از ۲۰۰ خانوار ذکر شده است که عاملی مهم در استقرار نظم کارکردی به شمار می‌رفت. تعداد افراد خانواده به طور تقریبی از ۶ تا ۷ نفر تجاوز نمی‌کرد و اغلب با یکدیگر رابطه قوم و خویشی داشته و وصلت می‌کردند (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۸۳ و اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۹۴۰). آن‌ها غالباً از یک یا دو طایفه مشخص در کنار یکدیگر در قلعه زندگی می‌کرده‌اند. دین آن‌ها اسلام و روزها به زراعت و شب‌ها در قلعه سپری می‌شد. به هر خانواده یک یا دو اتاق می‌رسید. به طور معمول صنایع دستی یا هنری سنتی مانند؛ جاجیم بافی، نخ‌ریسی و قالی‌بافی توسط زنان مزرعه انجام می‌شد. زارعان می‌توانستند مالک چند گوسفند باشند اما نمی‌توانستند اسب داشته باشند و یا مالک گله باشند. فرزندان آن‌ها در قلعه تربیت و به سرجمع رعیت ارباب اضافه می‌شده‌اند (توانگرمروستی، ۱۳۹۴: ۳۰۴).

انسجام و کاربست نظم اقتصادی در این نوع مزارع توسط شخص ارباب و مباشرانش با توجه به تمام مشکلات انجام می‌شد. ارائه دستور وظایف به رعایا و کارگران، تقسیم کار، تحویل و تنظیم امور، تعدیل مخارج تولید و نگهداری، ایجاد ارزش افزوده و بهره‌وری در مقیاس یک یا چند مزرعه بخشی از اموری بوده است که تنظیم آن‌ها توسط مالک می‌توانست منجر به تقویت نظم اقتصادی و بهره‌برداری در مزارع شود. مزرعه نشینان براساس سلسله مراتب اجتماعی حاکم در مزرعه می‌بایست به کدخدا و سپس به مباشر مالک پاسخگو باشند. (عنبری و طالب، ۱۳۸۷: ۱۶۳). مالک نیز با ضابطان، محصلان و ممیزان دیوانی طرف معامله بوده و مالیات را پرداخت می‌کرد. این نظم در تولید اقتصادی و درآمد دیوانی نیز مؤثر بود و علاوه بر کنترل اجتماعی و فرهنگی مردم در مزارع، بهره‌وری اقتصادی نیز با آن تضمین می‌شد (تصویر ۱۱). مالک یا ارباب نمی‌توانست خارج از این نظم حرکت کند. او می‌بایست براساس این نظم عرفی به نسبت مشخصی محصولات را بین زارعین، رعایا و یا اجاره‌داران تقسیم نماید یا در قبال پرداخت کلیه هزینه‌ها، جمیع سود را به خود اختصاص دهد مجموعه این فرآیند معرف نظام کارکردی در مزارع اربابی بود (تصویر ۱۲) و مزرعه را به سمت خودکفایی نسبی پیش می‌برد (حکمت یغمایی، ۱۳۶۹: ۲۲۷).



تصویر ۱۱- هرم نظام اجتماعی در مزارع مسکون اربابی (ماخذ: عنبری و طالب، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

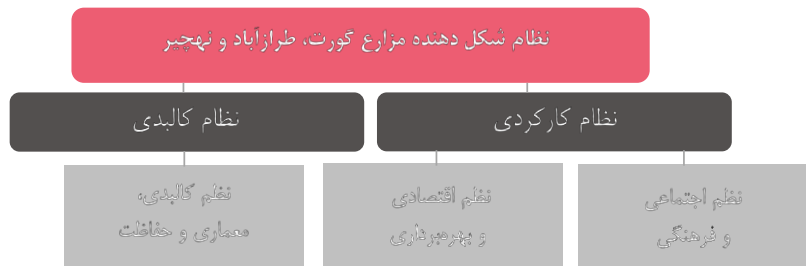


تصویر ۱۲- ارتباط نظم بهره‌برداری و اقتصادی با زیر مجموعه‌هایش در نظام کارکردی.

هرم و ارتباطات اجتماعی درون و بیرون مزرعه، سنت‌های فرهنگی ملی و مذهبی و شیوه‌های معماری جاری بود (راعی، ۱۳۹۶: ۲۴۱). اگر در برهه‌ای از زمان به هر دلیلی، بخشی از آن دچار رخوت می‌شد، شاکله مزارع سست شده و به

بنابراین مزارع مسکون مانند هر پدیده دیگری نظام‌مند بوده‌اند. زندگی مزارع و مزرعه‌نشینان از زمان تولد تا زمان افول با ساختارهایی قوام‌یافته و منظم سپری شده است. این نظم در کلیه شئون مزرعه از جمله؛ مراودات اقتصادی حاکم بر امور،

آشفتگی می‌رسید. نظام کارکردی (نظم اقتصادی، بهره‌برداری، اجتماعی و فرهنگی) توانسته بود در همکناری با نظام کالبدی (نظم کالبدی، معماری و حفاظت) به مزارع جان بخشد و باعث سرزندگی در مزارع شود. به این دو نظام «شکل دهنده» گفته می‌شود. چون هرگاه فعال می‌شدند مزارع می‌توانستند به حیات خویش ادامه دهند و بالعکس (نمودار ۴).



تصویر ۱۳- نظام شکل دهنده در مزارع گورت، طرازآباد و نهچیر

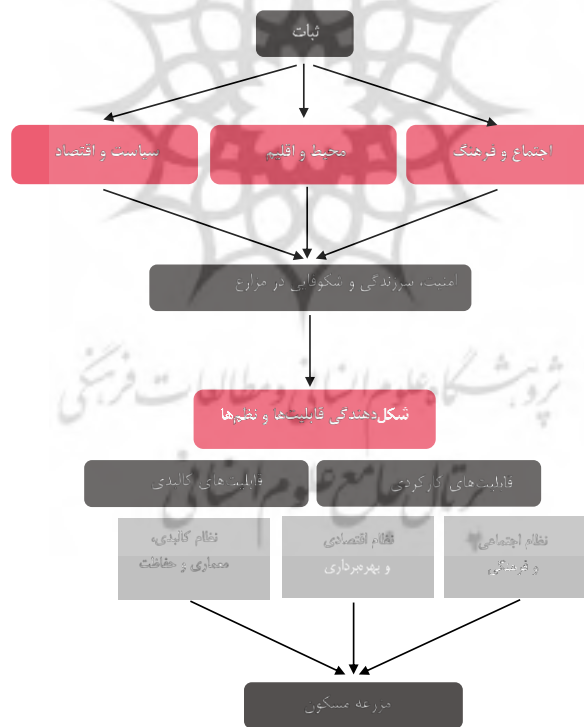
متمادی تظاهر معنوی داشتند، زنده بود و ادامه پیدا می‌کرد. این نظم‌ها به تدریج قوت می‌گرفتند، به تکامل می‌رسیدند و تجارب زیستی مبتنی بر فرهنگ و اقلیم را به ارمغان می‌آوردند. این فرآیند در محیط به «شکل‌دهندگی» ختم می‌شود و اساس مزارع را تشکیل می‌دهد. تصویر ۱۳ نشان می‌دهد که نظام‌های شکل‌دهنده مزارع با بسترهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی در ارتباط مستقیم بوده‌اند. در مزرعه‌ای مانند نهچیر، روغن‌کشی از نی چی به عنوان کالای اقتصادی با بازدهی مناسب در آن محیط و اقلیم به عنوان دلیل اصلی شکل‌گیری مزرعه معرفی شد و بنا بر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه، استفاده از قلاع مختلف برای در امان ماندن مزرعه‌نشینان از تعدیات مختلف مورد بررسی قرار گرفت (شفیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۳).

۴- نقش نظام شکل‌دهنده در حیات مزارع

کنکاش دریافته‌ها، منتج به وجود نظم‌هایی در مزارع شد که از آن به «نظام شکل دهنده» تعبیرگردید (تصویر ۱۳). وجود این نظام در دو بخش کالبدی و کارکردی در هم‌کناری با یکدیگر در شکل‌گیری پدیده‌ای به نام مزارع مسکون مؤثر بوده‌است. هر پدیده برای زنده ماندن نیازمند میل و حرکت به سمت زندگی و رفع چالش‌های پیش‌رو است. به‌طور طبیعی نظم‌ها براساس تجربه زیستی در توپوگرافی جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی یک محیط به تکامل می‌رسند و غالباً می‌توانند از این طریق از خطر اضمحلال رهایی یابند. به‌عنوان مثال؛ نظم در مکانیابی و دسترسی به آب با پشتوانه قرن‌ها تجربه زندگی در محیط می‌توانست پویا بماند و یا نظم اجتماعی و فرهنگی براساس سنت‌ها و آئین‌هایی که قرون

چرخه ثبات در تصویر ۱۴ ارائه شده است. براساس مواردی که در مزرعه نهچیر به عنوان نمونه بیان شد ایجاد ثبات در (اجتماع و فرهنگ)؛ (محیط و اقلیم) و (سیاست و اقتصاد) می‌توانست امنیت، سرزندگی و شکوفایی مزارع را تضمین کند و قابلیت‌ها و نظم‌های موجود در مزارع را شکل بخشد و حفاظت کند. در این چرخه دوطرفه، نظام‌های شکل‌دهنده مزارع به دلیل وابستگی اقتصاد جوامع گذشته به مزارع، موجب ایجاد ثبات در شئون مختلف جامعه می‌شدند و این ثبات در همان جهت باعث تقویت نظام‌های شکل‌دهنده می‌گردید و این‌گونه حیات مزارع تضمین می‌شد.

استقرار گروه‌های مختلف قوم گر موجب ایجاد اشتغال، بهره‌وری اقتصادی و ایجاد پشتوانه اجتماعی و در نتیجه کمک به سرزندگی در آن منطقه می‌گردید و در تثبیت و قوام نظم‌های موجود در مزارع کمک می‌کرد. مزرعه‌نشینان، اربابان، مالکان و حاکمان به دلیل اینکه از مواهب اقتصادی، امنیتی مزرعه نهچیر در مقیاس‌های مختلف محلی و ملی برخوردار می‌شده‌اند به طور آگاهانه از قوام و تثبیت آن که جزء با استقرار نظام‌های کالبدی و کارکردی میسر نمی‌شد حمایت و پشتیبانی می‌کردند. این چرخه از نظام شکل‌دهنده تا ایجاد ثبات در شئون مختلف اجتماعی تحت عنوان



تصویر ۱۴- نمودار چرخه ثبات بین مزارع و جامعه

توسعه دهند. با ثبات، نظم‌ها استقرار می‌یافت و کارایی بهتری داشت. آرامش در محیط و اقلیم، موجب آبدهی بیشتر قنوات و رودخانه‌ها، ثمر و بازدهی مناسب محصول مزارع و اقدام به حفاظت و توسعه آن‌ها توسط مالکان در سالیان متمادی می‌شد و سرزندگی را به ارمغان می‌آورد.

مالک و یا ارباب مقتدرترین و متنفذترین فرد در یک مزرعه بود. مالک در کسوت مربی و تربیت‌کننده در مزرعه ظاهر می‌شد و به تأدیب و تنبیه عمال و رعیت‌ها در مواقع لزوم می‌پرداخت به طوری که بدون حضور وی نظم و نسق برقرار نمی‌شد و دوام نداشت. او می‌توانست ذینفعان و ذیمدخلانی چون؛ دایره وقف، دیوان، زارعین و رعیت‌ها را هماهنگ کند تا منافع مزرعه حادث شود. او تشخیص می‌داد و ممارست می‌کرد تا تنوع و تعداد فعالیت در یک مزرعه بهبود یابد و کشاورزی و باغداری تابستانه و زمستانه با توجه به اقلیم و همچنین بهره‌گیری از انواع دام باربر، گوشتی و شیری به کمک مباشرین و زارعین امین با سیاق مناسبی ادامه یابد. مزرعه یک خانه بزرگ و اهالی مزرعه برای مالک، یک خانواده بزرگ به حساب می‌آمدند. در نگاهی دیگر او ناظم بود و قرار بود معادلات اقتصادی و بهره‌برداری را نظارت کند و سامان بخشد. بنابراین این نوع نظم در کارکرد بیش از هرچیز به مالک وابسته بود و بنا برآنچه که در اسناد تاریخی آمده است بسیاری از مزارع مانند؛ مزرعه نهچیر پس از فوت ارباب و مالک به قهقرا رفتند و نابود شدند (شفیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۳).

نمودار بالا و ارائه نمونه از میزان تأثیر اقتصادی و اجتماعی مزرعه نهچیر نشان می‌دهد که سیاست و اقتصاد در صورت آرامش و ثبات مملکت در مقوله ایجاد امنیت و پویایی جامعه نقش داشتند. در هر برهه تاریخی که در کشور جنگ و خونریزی وجود نداشت. پهنه‌های وسیعی از کشور زیرکشت قرار می‌گرفت، میزان درآمد ذیمدخلان بالا می‌رفت، عایدی دیوان بیشتر می‌شد و در نهایت در اقتصاد کشور و مردم معمولی نیز تأثیرگذار بود. بسیاری از صاحب منصبان در دوره ثبات از خرید و فروش مزارع، علاوه بر مقاصد اقتصادی، اهداف اجتماعی و سیاسی را نیز دنبال می‌کردند. از پیش از اسلام تا قرون اولیه اسلامی و تا دوره پهلوی، زمین‌داران و مزرعه‌داران در طبقه اجتماعی بالایی قرار داشتند (بهشتی و راعی، ۱۳۹۵: ۱۲) و تجمع این املاک می‌توانست میزان طرفداران، نیروهای نظامی، القاب و مناصب زیادی را جابجا کند و حتی رأی‌های انتخاباتی در دوره‌های متأخر به ویژه دوره پهلوی را به مالک مزارع تقدیم نماید. اما هرگاه مملکت در عرصه سیاسی و اقتصادی دچار اختلال می‌شد و دزدی و چپاول از خارج و داخل نسبت به شهر و روستا قوت می‌گرفت، ناگزیر در ابتدای امر در اقتصاد تظاهر پیدا می‌کرد. امنیت رنگ می‌باخت، پهنه‌های کشاورزی و زراعت کاهش می‌یافت و مزارع به اضمحلال نزدیک می‌گشت.

در محیط و اقلیم نیز وضعیت بر همین منوال بود. هرگاه زیست بوم از دایره مخاطرات انسانی و طبیعی خارج می‌شد. مالکان تصمیم می‌گرفتند به تعداد مزارع بیفزایند و میزان درآمد اقتصادی را

و قنات می‌شد (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۸: ۴۱). این شیوه به دلایل فقهی، اقتصادی و تأثیر شگرف در آبادانی و شکوفایی سرزمین، مورد نظر حاکمان بود و مزارع را در کانون توجهات دیوان، مالکان و مردم عادی قرار می‌داد. هم امور آخروی را سامان می‌داد و هم به امور دنیوی می‌رسید. پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی این چینی در بطن جوامع متولد می‌شدند و به خاطر دارا بودن اساس مذهبی و ملی هم‌آره زنده می‌ماندند. آن‌ها در درازمدت موجب شکوفایی مزارع در دوره‌های مختلف تاریخی به ویژه ایلخانی، صفوی و قاجار شده‌اند و با از بین رفتن این سنت‌ها، بسیاری از مزارع و رقبات آن‌ها نیز نابود شدند. بنابراین چرخه ثبات با کارکرد دوطرفه می‌توانست نظام شکل‌دهنده مزارع و امنیت اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی را پیوند دهد و حیات مزارع را تأمین کند.

۵- نتیجه‌گیری

مزارع نهچیر، طرازآباد و گورت دارای قابلیت‌های کارکردی و کالبدی و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، معماری و حفاظت بوده‌اند. این قابلیت‌ها و نظام‌ها به مزارع، صورت می‌دادند و پایایی آن‌ها را در طول زمان تضمین می‌کردند. براین اساس به عنوان «نظام شکل‌دهنده مزارع تاریخی» معرفی شده‌اند. مزارع مورد مطالعه، معرف یک مجتمع زیستی کوچک بودند و منابع انسانی، فکری و اقتصادی سه بخش اصلی این مجتمع‌ها را تشکیل می‌داد. چرخه ثبات (تصویر ۱۴) نشان می‌دهد که نضج آن‌ها مرهون ثبات در

یک سوی پایداری مزارع و برقراری نظم‌ها، به ارباب برمی‌گشت اما سوی دیگر نظم در کارکرد را جمعیت حاضر و ساکنین مزارع تشکیل می‌دادند و در کسوت انجام‌دهنده منویات ارباب یکی دیگر از متغیرهای مؤثر در پایداری مزارع را معرفی می‌کنند. آن‌ها در کنار مالکان با استفاده از مراسم و آیین‌های ویژه کاشت و برداشت محصول به شادابی و شکرگزاری در مزارع می‌پرداختند و با این اقدام، دامنه وسیعی از سنت‌های فرهنگی و اجتماعی تقویت می‌شد. ساکنین مزارع می‌توانستند پس از برداشت و گاه‌آ فروش محصولات با خاطر آسوده‌تری به برگزاری جشن‌های خرمن‌کوبی، ازدواج، اعیاد ملی و مذهبی بپردازند و آن‌ها را زنده نگاهدارند. این بخشی از میراث معنوی جوامع محلی بود که می‌بایست برای نسل‌ها ادامه پیدا می‌کرد.

علاوه بر آن، سنت اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای به نام «نظام وقف» در بهره‌برداری از مزارع حاکم بود. براساس نظرات اعظم واقفی درباره مزارع وقفی در نظنز و حومه آن، برخی از مزارع، وقف آبادانی مساجد، آب‌انبارها و بناهای دیگر عام‌المنفعه بودند و بخشی از درآمد آن‌ها صرف زنده نگهداشتن خدمات علمی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در جوامع می‌شد. گاه بخشی از درآمدهای یک مزرعه مانند؛ مزرعه عمارت و مزرعه علی‌آباد نظنز صرف امور خیریه (روضه‌خوانی، تعزیت‌داری و ...) می‌شد (اعظم واقفی، ۱۳۷۹: ۱۹۸) و یا مزرعه معروف به اُستور واقع در نظنز در سال ۸۵۷ ه. ق وقف خانقاه، گنبد، باغ، چهارصفه، حمام، آسیاب

شئون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی بوده و در جهتی دیگر سرزندگی جوامع منوط به قوام قابلیت‌های کارکردی و کالبدی در مزارع و بسط کشاورزی و دام‌پروری بوده است:

(الف)؛ ثبات در سیاست و

اقتصاد = امنیت در مزارع

(ب)؛ ثبات در محیط و اقلیم

= سرزندگی در مزارع

(ج)؛ ثبات در اجتماع و

فرهنگ = شکوفایی در مزارع

نظام شکل‌دهنده به دلیل ایجاد پیوند بین قابلیت‌های کالبدی و کارکردی، موجب خودکفایی مزارع در برهه‌ای از زمان می‌شد. مزرعه‌نشینان در درون قلعه‌های اربابی و رعیتی به طور مستقل زندگی می‌کردند، دارای انبار، اصطبل، دام، تولیدات باغی و کشاورزی بودند و مسجد، آب انبار، آسیاب و حتی قبرستان مستقل داشتند. چگونه زیستن در هم‌کناری با طبیعت، همسوسدن با آن و بهره‌گیری بردبارانه و نه سودجویانه از آن را می‌توان در نظام شکل‌دهنده مزارع جستجو کرد. کالبد و کارکرد، موازنه‌ای را ایجاد کرده بودند که رفتاری به غیر از همزیستی نمی‌توانست در این چرخه زیستی دوام آورد و نیازهای جامعه را برآورده سازد. این تأثیر به طور معمول از مقیاس درون مزرعه تا درون جامعه ناشی از نظم و ارگانی مزارع بوده و تا زمان اضمحلال آن‌ها در اواخر پهلوی اول ادامه داشت.

مزارع یک بنگاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی نیرومند بودند. درهر مزرعه تربیت و تولید در کنار تأثیرگذاری بر شئون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی جامعه با اهمیت تلقی می‌شد. صاحب‌منصبان اصیل از سالیان دور در پیش از اسلام تا دوره پهلوی صاحبان اصلی مزارع مسکون بوده‌اند. علاوه بر تولید ثروت، مالک نیز بوده‌اند و به این دلیل در صفوف نخست عوالم سیاسی و حکومتی نیز حضور داشته‌اند. آن‌ها گاه مزارع را وقف امور عام‌المنفعه مانند؛ آبادانی مدارس، مساجد و آب انبارها می‌کردند و از این طریق برای خود مکتبی فراهم می‌کردند تا در فردای امور دنیوی نیز دست بالا را داشته باشند و گاه برای پیشی گرفتن از هم مسلکان خویش در نزاع‌های سیاسی و اجتماعی از آن بهره می‌بردند. بنابراین جوامع محلی در دوره قاجار با لایه‌های درون‌زایی در بسترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه بوده‌اند که تحقیق و پژوهش درباره آن می‌تواند امکان انطباق با مصادیق سازگار کنونی را بررسی نماید و برای حفاظت و بهره‌برداری از منابع زیستی بومی و خودبسنده در آینده پیشنهاد و راه حل ارائه کند. این تحقیق سرآغازی است در جهت شناخت بیشتر و کامل‌تر این مجتمع‌های زیستی کوچک که در نقاط مختلف کشور به ویژه فلات مرکزی ایران رشد کردند، به تکامل رسیدند و سپس به دلایل مختلف در این پهنه جغرافیایی رو به افول رفتند و به فراموشی سپرده شدند.

پی‌نوشت

۱. آسیاب
۲. آب انبار
۳. در کتاب «میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز، ج اول» تألیف اعظم واقفی ۱۳۷۴. اسناد حقوقی معتبری شامل؛ مبیعه نامه، استشهدنامه، وقف نامه در باب مزارع مسکون وجود دارد.
۴. بازدید حاکمان و عمال آن‌ها از بلوک و نواحی تحت نفوذ خود.
۵. نگهبانی، پادگان
۶. ساختار ساده رعیتی از جنس مصالح در دسترس از قبیل؛ خشت، گل، چوب و حصیر
۷. جریان مزرعه میزبان توسط افضل‌الملک به آن اشاره شده است: «مزرعه جنت‌آباد از قنات‌های قدیم بوده، در عهد محمدشاه، حاجی محمدرضا بیگ آن را آباد کرد، قلعه و سکنه ندارد، رعایای آن در قلعه حصارش مسکن دارند» (افضل الملک ۱۳۵۵، ۱۷۹) و یا در جایی دیگر درباره «مزرعه حسن‌آباد می نویسد: «از قنات‌های قدیم است که در عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه، ملا عبدالله عرب آن را دایر نموده، قلعه بسیار معتبر بساخت، سکنه زیادی در آن مکان آورد، حمام خوب و مسجد بنا نمود، باغ وسیعی در دو قلعه بنا نهاد. اغلب رعایای مزارع دیگر در آن مکان منزل دارد» (همان ۱۸۴).

منابع

- ادوارد پولاک، یاکوب. (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). یادگارهای یزد، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد، ج ۱ و ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ دوم.
- افضل‌الملک، غلامحسین. (۱۳۸۰). سفرنامه اصفهان، به کوشش ناصر افشارفر، تهران: انتشارات سازمان فرهنگی و ارشاد اسلامی.
- افضل‌الملک، غلامحسین. (۱۳۶۰). سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام قدرت‌الله روشنی، تهران: انتشارات توس
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (۱۳۶۸). مرآت‌البلدان، ج ۱ و ۴، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعظم واقفی، سید حسن. (۱۳۷۹). میراث فرهنگی نطنز، ج دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۵۵). تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی (از دوران ماقبل تاریخی تا پایان ساسانیان)، تهران: نشر اندیشه.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۳). «فروپاشی دولت مطلقه»، ترجمه علی اردستانی، در: مهرنامه، ۳۸.
- پسندیده، محمود. (۱۳۹۴). اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پیگولوسکایا، ن. (۱۳۶۷). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- توانگر مروستی، مجید. (۱۳۹۴). قلعه روستاهای تاریخی منطقه هرات و مروست استان یزد، انتشارات سبحان نور.
- جیحانی، حمیدرضا و آتوسا عمرانی. (۱۳۹۳). «قصر و بانوی عظمی». بازشناسی یک باغ در شرق اصفهان» در: مجله علمی و ترویجی اثر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۶۵، ۵۰-۳۳.
- حائری، محمدرضا. (۱۳۸۶). قنات در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- حبیب آبادی، محمدعلی. (۱۳۶۴). مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، اصفهان: انتشارات نفایس مخطوطات.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه» در: مجله گنجینه اسناد، ۶۷، ۶۳-۷۸.
- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین. (۱۳۴۱). جامع‌الخیرات، به کوشش ایرج افشار، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- حکمت یغمایی، عبدالکریم. ۱۳۶۹. بر ساحل کویر نمک، تهران: انتشارات توس.
- دورانند، ای.آر. (۱۳۴۶). سفرنامه دورانند، ترجمه علی محمد ساکی، چ آفتاب.
- دهقان نژاد، مرتضی و مولود ستوده. (۱۳۸۹). «فرمانگذاری خالصجات در اصفهان در دوره ناصرالدین شاه (تبدیل زمین‌های دولتی به اربابی به‌طور مشروط)»، در: فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم، ۹۱-۸۰.
- دهگان، ابراهیم. (۱۳۸۹). «دسکره»، در: فصلنامه گنجینه اسناد، دفتر سوم، ۲۰۲-۱۹۹.
- راعی، حسین. (۱۳۹۶). «در جستجوی مزارع مسکون اربابی در نیاسر»، در: مجموعه مقالات همایش باغهای تاریخی، دانشگاه کاشان، ۲۵۱-۲۳۰.
- _____ . ۱۳۹۶. یادداشتهایی از آثار تاریخی ایران ۲ (نیاسرنامه)، انتشارات ایران نگار با همکاری معاونت میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- راعی، حسین، اصغر محمدمرادی و احمد صالحی کاخکی ۱۳۹۵. «آغازی بر فهم مزارع مسکون تاریخی در یزد»، در: مجله علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، دانشگاه علم و صنعت، سال چهارم، ۴، ۱۹-۱.
- راعی، حسین و سیدمحمد بهشتی. ۱۳۹۵. «مزارع مسکون تاریخی در ایران؛ از آغاز تا دوره صفویه»، در: مجله علمی و ترویجی اثر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۷۴، ۲۲-۱.
- روزنامه اطلاعات. (۱۳۷۵). سه شنبه ۳۰ مرداد، شماره ۲۰۸۴۲.
- رنه دالمانی، هانری. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شفیع، محمدرضا. ۱۳۸۰. «قلعه نهچیر؛ میراثی از اوایل قاجار»، در: فرهنگ اصفهان، ۲۰، ۵۹-۵۳.
- شیخ‌الحکامی، عمادالدین و. ۱۳۸۸. اسناد معماری ایران، دفتر اول، تهران: مؤسسه نشر آثار هنری.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۶۸). بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طالب، مهدی و موسی عنبری. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم.
- ظهیرالدوله. (۱۳۵۱). خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات فرانکلین.
- ظل‌السلطان، مسعودمیرزا. (۱۳۶۸). خاطرات ظل‌السلطان، ج ۲، ۱ و ۳، به اهتمام و تصحیح حسین خدیو‌جم، تهران: انتشارات اساطیر.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا. (۱۳۸۳). مسافرت نامه کرمان و بلوچستان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- فوران، جان. (۱۳۷۸). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفوی تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، چ دوم.
- قمی، حسن بن عبدالملک قمی. (۱۳۸۵). تاریخ قم، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، انتشارات آستانه مقدسه.
- کابلی، میرعابدین. (۱۳۵۲). گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی شهداد، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کتابخانه و مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر تاریخی میبد، ۱۳۹۴.

- کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۴). وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کلاویخو، روی گزالس. (۱۳۷۴). سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم (سهیل کاشانی). (۱۳۳۵). تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لمبتون، ا.ک.س. (۱۳۴۵). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مرتضوی تبریزی، مسعود. (۱۳۸۳). مهاجرت روستاییان به شهرها و تأثیرات اقتصادی و سیاسی آن در دوران پهلوی دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مصاحبه با آقای کارگر، مزرعه طرازآباد میبد، ۱۳۹۴
- منشی، محمدعلی. (۲۵۳۵). سفرنامه رکن‌الدوله (گزارش محمد حسین مهندس به مؤیدالدوله)، به کوشش محمد گلبن، تهران: انتشارات سحر.
- مهریار، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، انتشارات فرهنگ مردم.
- ناصرالدین‌شاه قاجار. (۱۳۵۴). سفرنامه خراسان، زیر نظر ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- نجم‌الملک، حاج میرزا عبدالغفار. (۱۳۸۵). سفرنامه خوزستان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.



Original Research Article

The System Forming the Architecture of the Historical Farmlands in the Central Plateau of IranHosein Raie¹

1- Assistant Professor, School of Architecture and Environmental design, Iran University of Science and Technology, 16846-13114, Tehran, Iran

Abstract

Various farms in the provinces of Yazd, Isfahan and Markazi were studied through attitude assessment, document research and field studies. They were found in two forms including residential farming fields and collections of fields. Also, narratives about how they were formed and how some of them have almost vanished were scrutinized. These farms existed in the Qajar period and were brought to stability by the owners and rulers by stabilizing the triad of society and culture, environment and climate, and politics and economics. This stability represented the physical and functional capabilities of the farms and preserved the physical, economic, operational, social and cultural systems on the farms. Thus, this system that formed the historical residential farms was adopted, and it guaranteed their long-term sustainability.

The study aims to shed light on the formation system of historical farms and its role in the sustainability of farms over the time. It also seeks to interpret the documents in this regard using the contextual theory and the interpretive-historical approach. This research palpably discusses the topic through a series of case studies in the Iranian Central Plateau. It is found that triad stability has ensured the system preservation and, thus, the sustainability of historical residential farms in this geographical region.

Keywords: Forming system, Historical farm, Central plateau, Iran

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی